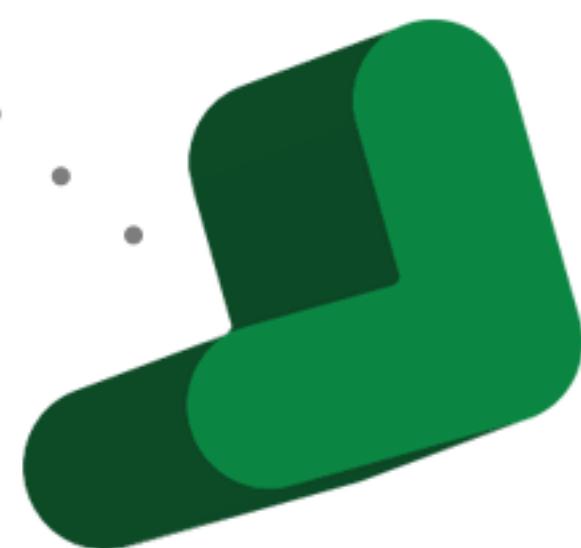


نگران خراب کردن کارهایی
هستم که به من
سپرده شده، چاره چیست؟

لاد دمن

تابه‌حال نوزادی دیده‌اید که روی پیشانی اش نوشته باشد او یک مدیر است؟ پس چگونه است که بعضی آدمها در آینده مدیران توانمندی می‌شوند؟ آن‌ها مدیرانی خوبی می‌شوند؛ چون مسئولیت‌پذیر هستند. مدیران از موقعیت‌های خیلی کوچک و دم دستی، مسئولیت‌پذیربودن را شروع کردند. آن‌ها از همان ابتدا مسئولیت وزارت‌خانه و اداره‌کل را به عهده نداشتند.

تو نیز همین الان در زندگی مسئولیت‌های زیادی داری که به خوبی از پسشان برمی‌آیی. خیلی از کارهایی که در کودکی پدر و مادر برایت انجام می‌دادند، از جمله تغذیه، مراقبت در برابر بیماری، مراقبتهای بهداشتی و ... حالا خودت مسئولیتش را به عهده داری و خیلی هم خوب انجامشان می‌دهی.



از طرف دیگر، به شناختی از خودت دست پیدا کردی که حاصل همان زمان‌هایی است که اشتباه کردی؛ مثلاً میوه یا خوراکی خوردی که با بدن سازگار نبوده و برایت تجربه شده که برای مراقبت از خودت، دیگر نباید این خوراکی را بخوری. علاوه بر تجربیات خودت، گاهی هم از صحبت‌های دیگران این تجربه را به دست آورده‌ام.

تو الان مسئولیت درس خواندن، مدرسه رفتن
و خیلی از کارهایی را که من نمی دانم به عهد
داری، ولی شاید خودت خیلی به آن دقیق
نمی کنی. دست به قلمشو و لیست همین
کارهای ریز و درشت را بنویس.





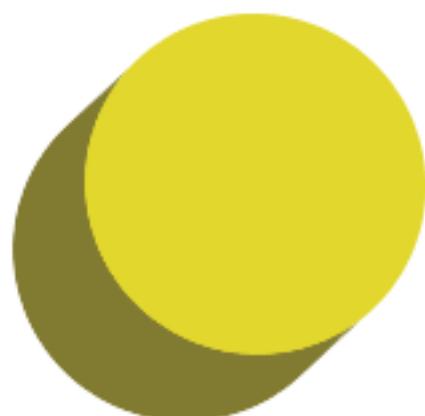
شاید در حین نوشتن خاطرات مختلفی از
این مسئولیت‌ها هم به ذهن‌ت برسد؛ مثلاً
اینکه برای برخی‌شان سختی کشیدی،
برنامه‌ریزی کردی یا گاهی اذیت شدی، اما
هرطور بوده این مسئولیت را پیش بردی.
باید به خودت ثابت کنی که ناتوانی در
انجام مسئولیت یک باور غلط است و با
شکست‌خوردن، خودمان را به عدم
مسئولیت‌پذیری متهم نکنیم.

۵





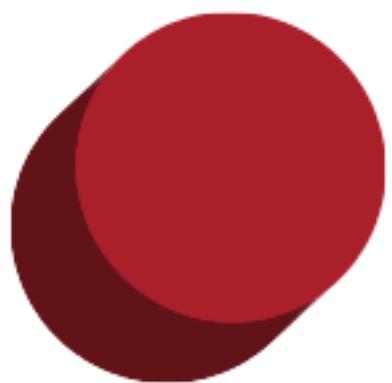
آن مدیرانی که از بدو تولد مدیر نبودند
هم با همین قانون پیش رفتند. کوچک
ترین مسئولیت‌ها را به بهترین شکل
انجام داده و از دیگران مشورت گرفتند.
من با اطمینان می‌گویم که همین مدیران
دفعات خیلی زیادی اشتباه کردند.





مَگَر آدْمِيزَاد بَدون خَطَا مُمْكِن أَسْت؟

اَمَا آنَهَا بَه هَر اَشْتَبَاه بَه يَك تَجْربَه جَدِيد
نَگَاهَكَرَدَه و پَس اَز آن سَعَى كَرَدَنَد آن
تَجْربَه رَأَم در نَظَر دَاشْتَه باَشَند. كَم كَم
اَيْن تَجْربَهَهَا زِيَاد و آن مدِير هَم و رَزِيدَه تَر
شَدَه أَسْت.



۸

پس تو هم هدفت از پذیرش مسئولیت‌ها را
عوض کن؛ مسئولیت‌هایی که قبول می‌کنی
با هدف خوب انجام‌دادن‌شان قبول نکن، با این
هدف قبول کن که تجربه بیشتری کسب کنی.
خیلی بهتر است اگر این تجربه‌های قیمتی را جایی
یادداشت کنی. طبیعی است اگر گاهی نتوانی
یک کار را کامل انجام بدھی یا نتوانی در حد عالی
آن را پیش ببری.





من هم می‌دانم آدم از اشتباه‌کردن خوشحال
نمی‌شود و با آغوش باز به سمت سوتی‌ها یش
نمی‌رود؛ اما وقتی بدانیم همین تجربه‌ها هم
فایده‌هایی داشته و قرار است ما را بسازند
خیلی بهتر آنها را می‌پذیریم. وقتی بدانیم
دیگران هم برای آنکه مسئولیت‌پذیرتر باشند
تلash کرده‌اند، دیگر آن‌قدرها خودمان را
سرزنش نخواهیم کرد؛ پس پیش به‌سوی
دنیای شیرین تجربه‌ها.

۹

